

شناسایی ویژگی‌های متشكله معماری قرون ۷ تا ۱۰ هجری قمری در اسناد تصویری تاریخی

مستخرج از پایان‌نامه با موضوع مرکز مطالعات معماری سنتی شیراز با رویکرد بازشناسی مبانی معماری اسلامی در اسناد تاریخی

سعیده عسکرزاده (نویسنده مسئول): دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مهندسی معماری موسسه آموزش عالی حافظ شیراز
Alae_Ask@yahoo.com

علی بامداد: دکتری حفاظت و مرمت از اینیه تاریخی - استاد مدعو موسسه آموزش عالی حافظ شیراز
Libamdad@yahoo.com

کوروش کمالی سروستانی: دکتری زبان و ادبیات فارسی - ریاست موسسه آموزش عالی حافظ شیراز
info@hafez.ac.ir

چکیده:

معماری به عنوان میراث گرانبها جزوی از اسناد و مدارک تاریخی از هر دوره به یادگار مانده است. تمامی گستره این سرزمین کتاب زنده‌های از تاریخ، معماری و هنر ایرانی- اسلامی است و آثار باشکوه تاریخی علاوه بر جلال و شکوه، گویای تاریخ و تمدن باشکوه ایران هستند. تاریخ ایران همواره برای تاریخ‌نگاران موضوعی جذاب و جالب توجه بوده است و در همین راستا کتب بسیاری در رابطه با تاریخ ایران مشاهده می‌شود. وقایع و رویدادها مبنای پیدایش تاریخ هستند، که با از بین رفت آن‌ها، آثار گذشتگان وقایع تاریخ را بازگو می‌کنند. اسناد تاریخی، در میان منابع و مأخذ تاریخ مدارکی اند از رویدادها و فعالیت‌های قبل استناد که منابع درجه اول برای مطالعه تاریخ معماری به حساب می‌آیند. مستندات معماري و شهرسازی ایران در دوران ایلخانی نقطه آغازی بر این اسناد تاریخی است. هدف از این پژوهش بازشناسی مولفه‌های معماري دوران ایلخانی و تیموری در اسناد تصویری تاریخی می‌باشد. لذا می‌توان گفت روش تحقیق این پژوهش از لحاظ محتوا پژوهش کیفی به شمار می‌آید. جهت گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و جهت تحلیل داده‌ها از روش «تفسیری تاریخی» و «تحلیلی» استفاده شده است. با شناخت شاخص‌های معماري و شهرسازی در نقاشی‌ها، نگاره‌ها، دستنگاره‌های تاریخی و نقشه‌ها در دوران تیموری و صفوی؛ به کاربرد طومارهای جهت پیاده‌سازی نقشه که اوج هنر معماري تاریخی را به نمایش می‌گذارد، دست می‌یابیم.

کلیدواژه: مولفه‌ها- معماری- دوران ایلخانی- دوران تیموری- اسناد تصویری تاریخی.

اولین تعریف معماری که در دایره المعارف معماری بدان استناد شده است، در کتاب "هفت مشعل معماری" (۱۸۴۹م) متعلق به جان راسکین^۱؛ معماری هنر افراستن و آراستن بنا توسط انسان است و بر زیبایی‌شناسی، مفیدی‌بودن جنبه‌ها و دیدگاه‌های معنوی تاکید دارد تا بر عملکرد و کاربری آن، معماری می‌تواند الهام گرفته از عرفان یا انسانی یا از سوی دیگر ترکیبی از ساختن و خواستن باشد. معماری از ریشه عمر و به معنی بسیار عمارت کننده، دیر ماندن و زیست می‌باشد. هر کس بخشی از حقیقت معماری را می‌فهمد و این بدان معناست که هر کس اثر معماری را با چشم‌اندازی متفاوت برداشت می‌کند. درستی یا نادرستی اثر معماری در متن معماری معنا می‌یابد. معماری هم واحد صورت یا کالبد و هم روح و معناست. آنچه در ابتدای اهمیت دارد، روح معماری و در ثانی هرگونه معماری واحد معنا و باطنی از فرهنگ و جهان‌بینی بانی آن برداشت می‌شود. در روند شکل‌گیری معماری عوامل گوناگونی مانند اقلیم، مصرف، عملکرد، صالح و فنون، نیروی انسانی، اقتصاد ساختمان و غیره برکالبد موثر می‌باشد. در کنار روند تأثیرگذاری عوامل مادی، فیزیکی، محیطی-اقلیمی، شکل و فضای بنا در بعد فرهنگی، تمثیلی و هنری، باید از کلیه آرمان‌ها و ارزش‌های یک جامعه برخودار باشد.

از کتبی که در ارتباط با تاریخ هنر ایران نوشته شده، می‌توان به کتاب گدار^۲ اشاره کرد، که داغده‌های اصلی او نشان دادن اصلت هنر اروپا است. آرتور پوب^۳ و همسرش با نگاهی بی‌طرفانه به تاریخ هنر ایران زمینه فاعیت‌های ویلبر^۴ را فراهم ساختند. ویلبر، با تحقیق در معماری ایران با نشر مقاله‌ای در کتاب بررسی هنر ایران و کتاب مهم معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی پرداخت. مطالعه تاریخ از منظر تاریخ‌نگاران در مواردی همچون؛ همراه با مطالعه تاریخ سیاسی و اجتماعی، ارزش‌های اعتقادی جامعه، تولیدات فرهنگی و تعامل فرهنگ‌ها، بستر طبیعی و اقلیمی، تعامل سه عامل کاربر-بانی و معمار، استمرار، پایداری قابل بررسی‌اند.

پیشینه پژوهش

در حوزه اسناد تاریخی و مطالعات مربوط به معماری و عناصر و ویژگی‌های معمارگونه در این مدارک پژوهش‌ها و مطالعاتی کم و بیش صورت گرفته است؛ از این میان، کتاب جهانگیر قالیم مقامی در سال ۱۳۵۰ تحت عنوان «مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی»، مقدمه‌ای جهت شناخت انواع اسناد تاریخی و ویژگی‌های مرتبط با هر نوع سند به شمار می‌رود. در حوزه اسناد تاریخی مرتبط با معماری و شهرسازی کتاب گل رو نجیب اوغلو در سال ۱۳۷۹ با عنوان «هنده و ترئین در معماری اسلامی» که توسط مهرداد قیومی بیدهندی ترجمه شده است، اسناد تصویری تاریخی فراوانی را از دوران‌های تاریخی ایران همراه با عناصر معماری و شهرسازی یافته شده بیان می‌کند. پس از این دو اثر از پژوهش‌های اخیر انجام شده می‌توان به «الگوهای مورد استفاده در طراحی معماری و تزئینات در دوره قاجار» (۱۳۸۴) نوشته باوند بهپور که به شیوه‌ها و الگوهای سندگونه در معماری دوران صفویه و قاجار را بازگو می‌کند، اشاره کرد. «زبان معمارانه نگاره‌های ایرانی» (۱۳۸۹) از منوچهر فروتن که به بررسی و واکاوی ویژگی‌های مشترک بین نگاره‌های ایرانی (به عنوان اسناد تاریخی معماری) و تصاویر واقعی از آن‌ها می‌پردازد. «بررسی چگونگی کاربرد اسناد در مطالعات تاریخ معماری ایران» (۱۳۹۳) نوشته احسان طهماسبی که با بررسی مطالعات تاریخی ایران به اسناد همچون وقفنامه‌ها، فرمان‌های حکومتی، نامه‌ها و گزارش‌های اداری و اسناد خرید و فروش دست یافته که عنوان اسناد مکتوب وقfnامه‌ها حاوی اطلاعات معمارانه بیشتری هستند. «بررسی تاریخچه مستند سازی تصویری آثار معماری و شهرسازی ایران» (۱۳۹۵) نوشته وحید حیدری که به بررسی مدارک تصویری تاریخی و آثار به جامانده از آن‌ها و مستندسازی این آثار در دوران‌های تاریخ معماری ایران و سرمیمین‌های همچوار می‌پردازد، همچنین اهداف ثبت مستندات و حوزه‌های کاربردی آن‌ها مورد واکاوی قرار گرفته است.

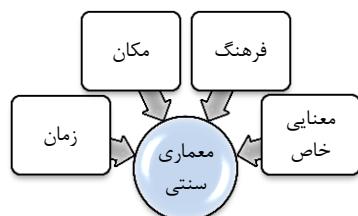
روش انجام پژوهش

این تحقیق از لحاظ محتوا پژوهش کیفی به شمار می‌آید. جهت گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و جهت تحلیل داده‌ها از روش «تفسیری تاریخی» و «تحلیلی» استفاده شده است. در مرحله اول از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است؛ که به بررسی ادبیات موضوع، خوانش معماری، مفاهیم و ویژگی‌های معماری تاریخی ایران پرداخته شده است. در مرحله دوم به شناسایی و استخراج منابع و مأخذ تاریخ و اسناد تاریخی، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌ها به روش تفسیری تاریخی پرداخته شده است.

بر این اساس، در بخش تحقیقات پایه‌ای، مطالعات کتابخانه‌ای مینما قرار می‌گیرد که جهت شناخت مبانی نظری در معنای عام، شامل مفردات موضوع یا واژگان در معنای خاص و پیشینه مطالعاتی می‌شود که در این راه، بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران حوزه‌های فوق، مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. روش تحقیق با استفاده از کتب مرتبط در این زمینه، بررسی‌های میدانی و استنتاجات ناشی از مشاهدات عینی صورت پذیرفته است.

۱- معماری تاریخی ایران

معماری سنتی^۵ عبارت است از آن‌گونه معماری که در جامعه وجود داشته و در طول زمان استمرار یافته است (صادق‌پی، ۹۱۳۸۸: ۹). در یک جمع‌بندی کوتاه، شاید بتوان گفت معماری سنتی به چهار عامل بستگی دارد (نمودار ۱).



نمودار ۱: عوامل معماري سنتي (منبع: نگارنده با تلخيص از صادق‌پی، ۱۳۸۸)

¹ John Ruskin

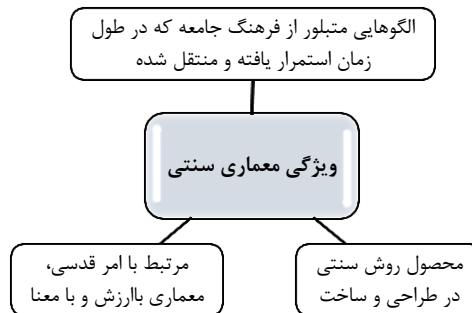
² Jean-Luc Godard

³ Arthur Upham Pope

⁴ Donald Wilber

⁵ مقصود نگارنده از معماري سنتي ايران، معماري دوران تاریخی ايران است.

در شکل‌گیری معماری ایران، نظر، جهان‌بینی و تفکر ارتباط بسیار نزدیک با فضای داشته است. این امر ممکن است در مرحله اول جستجوگر حل مسائل جویی و اقلیمی بوده باشد ولی در مراحل تکمیلی، ذهنیتی مشهود است که در آن کلیه تحولات عقلانی و تخیلات معنوی نفوذ کرده‌اند. در مطالعه معماری ایرانی و استخراج مفاهیم، مبانی و بیژگی‌های آن کاملاً روشن است که اساس و شالوده اصلی آن در فلسفه وجودی این سرزمین بوده است و در نتیجه، مطالعه آن بدون عمیق شدن در مسائل اجتماعی، فرهنگی، دینی و ادبی ناممکن است. برای درک مفاهیم معماری این سرزمین باید دیدگاه خاص فرهنگی را که این مفاهیم در درون آن به وجود آمده‌اند شناخت و با آگاهی کامل دریافت نمود. دوران شکوهمندی است که معماری پس از سال‌ها آزمون و خطاب، راهکارها، الگوها و سرمشق‌های خود را یافته است و پذیرای ارزش‌های معنوی و مواربی است. معماری سنتی به پشت‌گرمی دست‌یافته‌های خود، به کیفیت، کمال و جمال و در یک کلام به دل معماری می‌پردازد. معمار سنتی، فرهیخته‌ای است از میان مردم که شایستگی درک و فهم و عمل به معماری را دارد و معماری معماران را جایگزین معماری همگان (معماری بدون معمار) می‌کند (حاجت، ۱۳۹۴: ۱۳). بنابراین، سه بیژگی اساسی معماری سنتی (نمودار ۲) عبارت است از:



نمودار ۲: بیژگی اساسی معماری سنتی (منبع: نگارنده با تلخیص از صادقی، ۱۳۸۸)

نظری اجمالی به معماری ایران در عهد باستان شکل‌دهنده آن هم چون آسایش، استحکام، انبساط و غیره است. پاسارگاد، تخت سلیمان، ارگ بهم، میدان نقش جهان و غیره همه و همه علاوه بر جلال و شکوه و شگفتی، گویای تاریخ و تمدن باشکوه ایران هستند. پس از ورود اسلام به سرزمین پهناور ایران، فرهنگ و هنر این پهنه با عوامل تازه‌ای ترکیب شد. اصول، آداب و رسوم، ماراسم مذهبی، روحیه، اخلاقیات، اندیشه و عقیده تسل‌ها و سایر بیژگی‌های مردمی نه تنها در بناهای عظیم که در انبیه کوچک نیز نمود دارد و چنان با جوهره وجودی معماری ایرانی در آمیخته است که ردپای آن در تمامی آثار معماری گذشته قابل بی‌جوبی است (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶).

تاریخ نویسی معماری فرآیندی است که ورودی آن، بناهای پراکنده و دیگر مدارک تاریخی است و محصول آن روایت تاریخی پیوسته‌های درباره معماری. تاریخ نویسی معماری بر محوریت عوامل مختلفی ممکن است (حیدری دلگرم و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۶). گسترده‌گی تاریخ ایران، گوناگونی منابع متعدد، وجود دوره‌های تاریخی مختلف و سرانجام عشق و علاقه مورخان ایرانی به تاریخ ایران چه در دوره‌های اسلامی از جمله عوامل مهمی بوده است (نوذری، ۱۳۸۵: ۹۷). نظریات افراد راجع به معماری تاریخ ایران در جدول ۱ شرح داده شده است.

جدول ۱: تاریخ معماری از نظر افراد (منبع: نگارنده با تلخیص قیومی بیدهندی، ۱۳۸۴)

نظریات	
سبک‌های معماری ایران در کاربرد اصول معماری ایرانی مشابه‌اند، اما در فروع تفاوت‌هایی دارند. مشخصات این سبک‌ها مجموعه‌ای است متنوع از اصول کلان کالبدی تا جزئیات معماری. مطالعه تاریخ معماری باید با مطالعه تاریخ سیاسی همراه باشد، هر چند که پیوند آن دو مستقیم نیست یا دست کم، مورخ موظف به یافتن آن پیوندها نیست.	محمد کریم پیرنیا
معماری نمود سابقه و زمینه فرهنگی است. برای شناخت سیاق فرهنگی، باید به ارزش‌های اعتقادی جامعه، تاریخ سیاسی و اجتماعی، تولیدات فرهنگی هم زمان و متنون و اسناد تاریخی توجه کرد. بستر طبیعی و اقیمه‌ی نیز از عوامل مهمی است که در بررسی تاریخ معماری باید بدان توجه شود. در نوشت تاریخ معماری باید همه وجوه معماری را در پیوند و نسبت با یکدیگر ملاحظه کرد. در بررسی تاریخ معماری باید به تعامل فرهنگ‌ها در طول تاریخ و عرض جغرافیا نیز توجه کرد.	آرتور اپهام پوپ
در تاریخ معماری، باید آثار را در متن محیط فرهنگی و اجتماعی و سیاسی زمانه‌شان بررسی کرد. معماری را باید مجموعه‌ای از شکل‌ها و فضاها و حجم‌ها و مواد و فنون و هنرهای وابسته دید. معماری از تعامل سه عامل کاربر و بانی و معمار پدید می‌آید.	دونالد ویلبر و لیزا گلمبک ^۱
هر دوره تاریخی در معماری باید آغاز و انجام تاریخی مشخصی داشته باشد. در بررسی تاریخ معماری ایران، از جمله در دوره ایلخانی، باید به دو نکته مهم که فراتر از دوره‌ها وجود داشته است توجه کرد؛ نخست، استمرار و پایداری و استواری فرهنگ ایران؛ دوم، تکامل و رشد مداوم سبک معماری و ترئین آن در ایران.	دونالد ویلبر

¹ Lisa Golombok

۲- استناد تاریخی

قدر مسلم این است که وقایع و رویدادها مبنای پیدایش تاریخ می‌باشد ولی چون حوادث و اتفاقات (مانند امور طبیعی مابهای خارجی ندارند) رویدادهای گذشته برای حال قابل دیدن و لمس کردن نیستند و وقایع حال نیز در آینده دیده و لمس نمی‌شوند بهنچار تنها آثار گذشتگان است که ماجرا آن حادث و وقایع را درست یا نیمه درست برای ما و آیندگان باز می‌گوید و به این آثار است که در اصطلاح تاریخ‌نویسی منابع و مأخذ تاریخ گفته می‌شود (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۳). منابع و مأخذ را که در تدوین تاریخ بکار می‌برند: از نظر کلی به پنج گروه می‌توان تقسیم کرد (جدول ۲).

جدول ۲: منابع و مأخذ تاریخ (منبع: نگارنده با تلحیص قائم مقامی، ۱۳۵۰)

منابع و مأخذ تاریخ	شرح
منابع ذهنی یا نقلی	شرح مسموعات، مشاهدات و خاطرات اشخاص است و این نوع منابع خواه زبانی باشد خواه نوشته، اصالت و سندیت‌شان علی الاصول کم است
منبع باستان‌شناسی	عبارتند از بناهای تاریخی، سنگ نبشته‌ها، لوح‌ها، سکه‌ها، کتبه‌های چوبی و گچی در بناهای تاریخی و مقایر نوشته‌هایی که بر روی کاشی-کاری‌ها ابینه باقی‌ست و بالآخره اشیای آثار هنری که در کاوش‌ها از زیر خاک بدست می‌آیند
منابع تصویری و ترسیمی	شامل نقاشی‌ها، مینیاتورها، عکس‌ها، گروه‌ها، نقشه‌ها و نمودارها (گرافیک‌ها) می‌شود این دسته نیز، که به تازگی در میان منابع و مأخذ تاریخ جانی برای خود باز کرده از مدارک سودمند و با ارزش برای تاریخ‌نویسی می‌باشد
منابع کتیبی	شامل متون هستند و در این دسته، مأخذ زیر را باید نام برد: کتاب‌های تاریخی که شامل تاریخ‌های عمومی، تاریخ‌های خصوصی، (شامل تاریخ یک سلسله و یا شرح سلطنت یک پادشاه) و تاریخ‌های منطقه‌ای و محلی هستند.
مدارک آرشیوی	تحقیقات موضوعی- نوشته‌های جغرافی نویسان- متون ادبی، تراجم احوال، قصاید و مدائح شعراء و تفسیر آن‌ها- روزنامه‌ها، مجلات و نشریات دولتی و موسسات غیردولتی.
مدارک آرشیوی	مجموعه نوشته‌ها و اوراقی هستند که خود حاصل فعالیت‌های روزمره و مستمر دیوان‌های سابق و ادارات کنونی می‌باشد و مندرجات آن‌ها از نظر نحوه بهره‌برداری دارای دو گونه ارزش اداری و ارزش تحقیقی است، باین معنی که مادامی که مطلب آن‌ها مربوط به امور جاری و روزمره اداری خارج شوند ارزش تحقیقی و استنادی پیدا می‌کنند

«سند» مدرکی است که معمولاً رویدادها و فعالیت‌های دیوانی و قضایی در آن ثبت می‌شود (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۱). در تعریفی دیگر، سند را مدرکی که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد، نیز گفته‌اند (رضایی، ۱۳۹۰: ۱). استناد گاهی یکتا بوده و گاهی از روی آن‌ها، در شماری محدود، استنساخ صورت می‌گرفته است. کتبه‌ها و سنگ نبشته‌ها و همچنین مدارک تصویری در دسته‌های دیگری از مدارک قرار می‌گیرند؛ البته در این دسته‌بندی‌ها گاهی مرزاها با یکدیگر همپوشانی می‌کند. استناد از منابع درجه اول برای مطالعه تاریخ معماری به شمار می‌روند، زیرا غالباً با پدیده مورد بررسی معاصرند؛ گرچه ممکن است گاهی در آن‌ها اطلاعات درباره بناهای کهن‌تر نیز وجود داشته باشد. برخی از استناد اختصاص به یک بنای خاص دارند و در پاره‌ای از موارد، در آن‌ها به مجموعه‌های از آثار اشاره شده است. در شماری نیز مخصوصاً از بنایی نام بردۀ دارند از اسناد اختصاص این است، اما اطلاعات مفیدی درباره بستر تاریخی و جغرافیایی آثار یک دوره به چشم می‌خورد (طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۶۰). یکی دیگر از منابع تاریخی که شاید تا حدودی بکر و دست نخورده باقی مانده است. هنوز هم می‌توان به صورت یک منبع مستقل از آن در تدوین مقاله با تحقیق یا تالیف کتب استفاده نمود استناد تاریخی هستند (نورزی، ۱۳۸۵: ۱۱۳).

استناد تاریخی، جزئی از منابع و مأخذ پژوهش‌اند که به‌سبب اعتبار وجودی‌شان بجای آن‌ها را در مبحثی مستقل مورد بحث قرار دهیم و برای شناخت آن‌ها و همچنین برای آن که معلوم شود این دسته از مدارک در میان این‌ها سرچشمه‌های تحقیق و تاریخ چه وضع و موقعیتی دارند لازم است ابتدا توضیحی درباره منابع و مأخذ پژوهش اگر چه کوتاه کلی باشد گفته شود (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۳).

استناد حوزه معماری و شهرسازی را از زاویه ارتباط با مخاطب می‌توان به دو دسته استناد مکتوب و استناد تصویری دسته‌بندی کرد که در گروه اول محتوای نوشتاری سند و در گروه دوم ماهیت بصری سند بیشتر مورد تأکید است (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۱۷). همه استناد به شکل بالقوه، منابع مطالعه تاریخ معماری ایران‌اند؛ زیرا هریک از آن‌ها به گونه‌ای با وجہی از زندگی انسان ایرانی مرتبط‌اند. از آنجاکه تاریخ معماری با تاریخ زندگی بشر عجین است، بررسی هر سندی که بخشی از کیفیت زندگی انسان در یک عصر را برایمان روشن کند، به شناخت معماری متناسب با آن زندگی نیز کمک کرده است. معماری، همواره در طول تاریخ، در مقام کالبد زندگی انسان بوده است، هر شناخت درباره کیفیت زندگی به درک معماری مرتبط با آن کمک خواهد کرد؛ بنابراین، رابطه‌ای هم مستقیم و هم غیرمستقیم میان شناخت استناد تاریخی و معماری ایران برقرار است (طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۶۳).

۳- استناد تاریخی تصویری در قرون ۷ تا ۱۰ هجری قمری

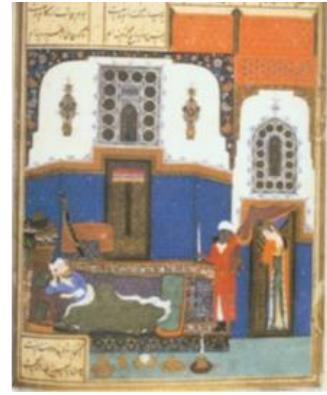
منابع تصویری شامل نقشه‌ها و نمونک‌های گذشته و یا تصاویر نقاشی شده از بنایها در همان دوره است. با این که اندک نقشه‌هایی از آن زمان به جای مانده است، ولی نگاره‌های در خور توجهی از دوران اسلامی به خصوص از عصر ایلخانی تا اوایل صفوی باقی مانده است که متر مورد توجه قرار گرفته‌اند. این نگاره‌ها که در آن‌ها بنایها و معماری هم عصر خود را به تصویر درآورده‌اند، حاصل درک نگارگران آن زمان از فضاهای معماری است (فروتن، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

به لحاظ تاریخی اولین استناد تصویری مرتبط با معماری و شهرسازی ایران را می‌توان در تمدن‌های جیرفت (هزاره ۵-۷ ق.م.) و ایلام (هزاره ۳ تا سده ۷ ق.م.) جستجو کرد. نقوش ترسیم شده روی مهرها، نقش‌کندهای یادمانی و ماكتهایی از این دسته هستند (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۱۸). در این میان مستندسازی‌هایی که توسط آشوریان از آثار تمدنی اورانتو و ماد انجام گرفته قابل توجه است. مدارک مذکور بعضاً با هدف ثبت یک واقعیت موجود تهیه شده‌اند (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۱۶). تصویرسازی از معماری در دوره‌های مختلف تاریخ نقاشی غرب و شرق، پدیده‌ای رایج بوده است. در غرب نقاشی‌های فراوانی از دوره‌های گوناگون وجود دارد که منبعی برای استنادات تاریخی در مورد بنای بوده است (فروتن، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

شهرها و یا بناهای ایران، به ویژه از کتاب‌های تاریخی و سفرنامه، پرداخت. همچنین می‌توان به بازشناسی عناصر معماری و چیدمان اثاثیه معماری که نمونه‌های آن‌ها در دست نیست و یا بسیار اندک است پرداخت، مانند خانه‌های دوره‌های قبل از صفوی، رصدخانه، بیمارستان و کتابخانه (فروتن، ۱۳۸۹: ۱۴۱). در مواردی برای شناخت معماری بناهای مصوب در این نگاره‌ها، از معماری خارج از حوزه فرهنگی ایران باید کمک گرفت. در نگاره‌ای که برای نمونه آمده است (تصویر ۱) فضای معماری داخلی یک خانه به تصویر در آمده است. این نگاره با وجود آن که متعلق به مکتب بغداد و دوره جلایریان (ایلخانیان) است، نمونه‌های مشابهی در مکاتب تبریز ایلخانی و هرات دارد (برای نمونه تصویر ۲) (فروتن، ۱۳۸۹: ۱۳۷).



تصویر ۱: عروسی همای و همایون، دیوان خواجه‌ی کرمانی، مکتب جلایری بغداد (منبع: فروتن، ۱۳۸۹، ۱۳۸۹).



تصویر ۲: تصویری از داخل مسجد جامع (یاشیل جامع)، بورسه، آناطولی مرکزی (ترکیه) (منبع: فروتن، ۱۳۸۹، ۱۳۸۹).

در قرون اولیه تا میانه هجری (پیش از حمله مغول در قرن ۷ق) دانش جغرافیا در کتاب‌های همچون مسالک و ممالک‌ها رشد فراوانی کرد؛ بنابراین اسناد تصویری این دوره هم از این جنس هستند (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۲۰). دوران ایلخانی، آغازی است بر افزایش نسبی مستندات معماری و شهرسازی ایران که خاصه در میان آن‌ها منابع مکتوب فراوان‌اند. از آن جمله مستشرقینی چون بنیامین تودلایی^۱ خاخام یهودی (قرن ۱۲م) و مارکوبولو^۲ تاجر ایتالیایی (قرن ۱۳م) در نوشته‌هایشان به ایران اشاره می‌کنند و راهب ایتالیایی اوردور کیوس^۳ (۱۲۸۶-۱۳۳۱م) اولین کسی است که به آثار باستانی ایران (تخت جمشید) می‌پردازد (هرمان، ۱۳۷۳: ۷-۴). در میان مدارک تصویری بازمانده، لوح گچی (تصویر ۳) به دست آمده از محوطه تخت‌سلیمان که ربع طاق مقرنسی از دوره ایلخانی را به تصویر می‌کشد احتمالاً قدیمی‌ترین نقشه موجود است (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۲۱).



تصویر ۴: ساخت کاخ خورنق در نسخه‌ای از نظامی (منبع: گرابر، ۱۳۸۳، ۶۴).



تصویر ۳: پلان ربع مقرنس گچی (منبع: نجیب اوغلو، ۱۳۷۹، ۴).

از دوران تیموری مدارک متعددی به‌جامانده است که گرچه مستقیماً به قصد مستندسازی تهیه نشده‌اند؛ اما امروزه از منابع پژوهش محسوب می‌شوند؛ خاصه افزایش استفاده از هندسه در این دوره لزوم استفاده از نقشه را فزونی می‌بخشد (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۸). از جمله منابع عصر تیموری کتاب مفتاح الحساب غیاث الدین جمشید کاشانی (متوفی ۸۳۲ق) است که با نام رساله طاق و از ج شناخته می‌شود. مقالاتی از این رساله را که به شیوه‌های ترسیم و اندازه‌گیری فرم‌های طاقی و گنبدی شکل می‌پردازد می‌توان نوعی مستندسازی به شمار آورد (کاشانی، ۱۳۹۲). موضوعات معماری و ساخت از جمله موارد فراوان در نگارگری‌های عصر تیموری است مانند روایت ساخت مسجد سمرقند در ظفرنامه یزدی و کاخ خورنق در خمسه نظامی (تصویر ۴) (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۲۳). برخلاف منابع تصویری غربی، آثار

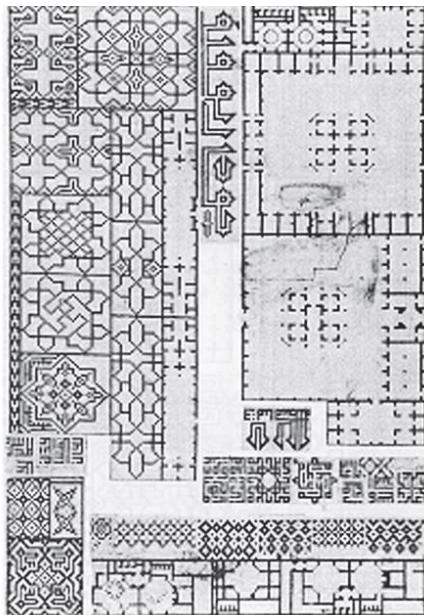
¹ Benjamime of Tudela

² Marco Polo

³ Odorico Mattiussi

تصویری ایرانی و شرقی عموماً ماهیت تزئینی دارند، نمونه قابل ذکر طرح‌های هنرمندی ترک تبار بهنام نصوح مطراقچی است که آثارش از خلال لشکرکشی سلطان سلیمان عثمانی به ایران (۹۴۰-۹۴۲ق) پدید آمده است و شاید تنها برخی کلیات فضاهای شهری را بتوان از آن‌ها برداشت کرد (تصویر۵). چنین به نظر می‌رسد که کمی مستندسازی تصویری در این دوران به نبود دیدگاه ثبت واقعیت موجود برمی‌گردد؛ زیرا متنقاً در نقشه‌های ساخت، مقایس و ترسیمات واقعی به کار می‌رفته است. گرچه کمتر این مدارک از حوزه سرزمین کشور ایران به دست آمده است؛ ولی بخش زیادی از اسناد شناخته شده به نام طومارهای تاشکند (حوزه مأواه النهر) و طومارهای توپقاپی (حوزه عثمانی) مربوط به حوزه سرزمینی ایران می‌شوند (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

مدارک تصویری دیگری که نه مستندسازی بلکه می‌توان آن‌ها را نقشه‌های ساخت نامید؛ طومارهای است که به شکل زیردستی مبنای طرح‌ریزی و ساخت فضاهای و جزئیات معماری قرار می‌گرفته‌اند. تعدادی از این اسناد توسط کسپر پاردن کلارک^۱ انگلیسی جمع‌آوری شده است که بعدها سر از موزه وکیتوریا و آلبرت لندن^۲ درآورده‌اند (تصویر۶) (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۲۰). نکته قابل توجه در اسناد مذکور کشف شیوه‌های طرح‌اندازی و پیاده‌سازی نقشه است که یکی از آن‌ها استفاده از کاغذ شطرنجی و تخته‌رسم‌هایی است که طراح نه تنها در ترسیم اولیه بلکه در تطبیق نقشه با ساخت به کار می‌برده است (تصویر۷) (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۲۲).



تصویر۶: قطعاتی از طومار با نقش کتیبه و پلان بر شبکه شطرنجی
(منبع: نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۲۰).



تصویر۵: شهر همدان در نگاره‌ای متعلق به قرن ۱۱
(منبع: حیدری، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

نجیب‌اوغلو تاریخچه یکی از این طومارها را چنین ذکر می‌کند: کسپر پاردن کلارک معمار مقیم سفارت بریتانیا در ایران، فراماسونی بود که توانست به اسرار صنف بنایان تهران دست یابد و از برکت وی است که می‌دانیم در زمان تحويل قرن حاضر، معماران ایران نیز از طومارهای حاوی نقشه معماری، مشابه طومارهایی که از توران در همان زمان به دست ما رسیده، استفاده می‌کردند. کلارک هنگامی که مباشر احداث بنای سفارتخانه بریتانیا در تهران بود، چون فن جدید قالب-گیری گچ با قالب ژلاتینی را به پسر رئیس صنف معماران تهران می‌آموخت، در عرض اجازه یافت مقداری از این کتاب‌های لوله‌ای شکل را که اکنون در موزه وکیتوریا و آلبرت نگهداری می‌شود برای خود بردارد. این طومارها به معمار حکومت قاجار (مهندس‌الدوله) میرزا اکبر منسوب است. در دفتر موزه با عنوان «مجموعه‌ای که با مرگ میرزا اکبر پراکنده شد و پاردن کلارک، مباشر علی‌حضرت ملکه بریتانیا در ایران، در ژانویه ۱۸۷۶ از استاد کاران تهران، استاد خداداد و استاد اکبر به دست آورده» ثبت شده است (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۳۰-۳۱).

چنان‌که نجیب‌اوغلو مذکور می‌شود از گزارش‌های سیاحان چنین برمی‌آید که نقشه معماری در ایران عهد صفویه رایج بوده است. انگلبرت کمپفر^۳ از معمارانی در دربار صفوی اوخر قرن یازدهم حکایت می‌کند که طرح‌ها و نقشه‌هایی برای بنایهای سلطنتی تهیه می‌کردند. رافائل دومان^۴ در سال ۱۶۶۰ میلادی درباره این معماران چنین گفته است: "ایشان، بسته به قوت خود، برای ترسیم قلم به کار می‌برند؛ لکن به رغم معماران ما، نمی‌دانند چگونه کاخ بزرگی را با پلان و نما و مقطع و پرسپکتیو چنان تصویر کنند که گویی احداث شده است". طومار توپقاپی، قدیمی‌ترین سند از نوع خود است؛ اما تنها نمونه نیست. طومار دیگری متعلق به یک معمار ازبک یا صنف معماران بخارای قرن دهم هجری به دست آمده است که در مؤسسه مطالعات شرقی فرهنگستان علوم تاشکند نگهداری می‌شود (تصویر۸).

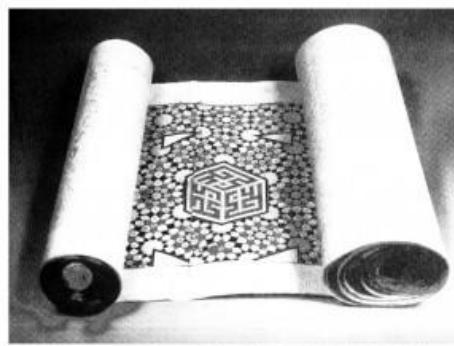
گفتنی است که معماران سنتی آسیای مرکزی هنوز از چنین طومارهایی استفاده می‌کنند (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۱۱).

¹ Casper Purdon Clarke

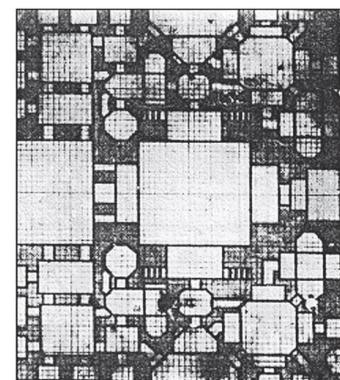
² Victoria Museum and Albert London

³ Engelbert Kaempfer

⁴ Raphael Du Mans



تصویر ۸: طومار متعلق به ازیک
(منبع: نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۴۲)

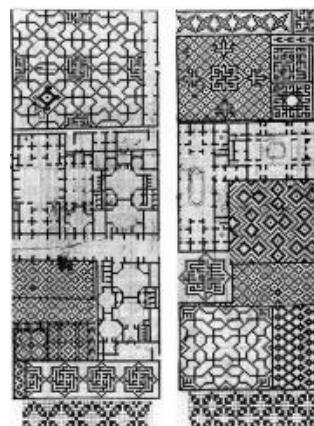


تصویر ۷: پلان مقبره یا کوشکی با طرح متقارن مرکزی
(منبع: نجیب اوغلو، ۹: ۱۳۷۹)

طومار دیگری مربوط به خانواده‌ای از معماران شیرازی است که آن را از اجداد خود به ارث برده‌اند و در کتاب «گره‌سازی در هنر معماری ایران» چاپ شده است. چنان‌که از نقل قول بالا نیز برمی‌آید این طومارها را به صورت سری نگاه می‌داشته‌اند و این می‌تواند توضیح دهد که چرا تعداد بیشتری از این طومارها به دست نیامده است. علاوه بر این، اشارات دیگری نیز هست که کاربرد چنین طومارهایی را تأیید می‌کند (بهپور، ۱۳۸۴: ۱۰۰).

کلارک روند تهیه این طومارها را جذب توضیح می‌دهد: سیاحان پنداشته‌اند معمار شرقی قوای اسطنبولی دارد که از پلان و نما و مقطع مستغنى اش می‌سازد و می‌تواند همه اجزای بنای خود را، بی‌تخمین اندازه و نیاز به پيش‌بياني اجزاي متعدد آن، پي نهد. ظاهر امر چنین است که معمار ايراني از پلان مستغنى است و چون احداث خانه‌ای را به وی واگذارند، نخست زمين را بالجمله تسليط کند، آنگاه جای ديوارها را گچرزي کند، بي‌آنکه هيج اندازه آن‌ها را قدم کند. در حالی که حقيقه امر اين است که پيش از هر کار نقشه کلي بنا را از کار درمي آورد، نه چونان معماران امروز بر کاغذ ساده، بلکه بر تخته‌اي شطرنجي که هر خانه‌اش نمودار يك يا چهار آجر است. اين تخته رسم کليد سر حرفة ايشان است. نظام طراحی ساده است زيرا شكل آجر در ايران مربع است. براي پرکردن خانه‌ها - که نشان يك آجر دستياری آن را بر کاغذ شطرنجي مشابه استنساخ می‌کند؛ و با چيدن آجر بر طبق نقشه، طرح را اجرا می‌کنند. خط ممکن نیست، زيرا خانه‌های شطرنج درست بر قدر آجر است؛ و چون تنها يك شيوه رعچين به کار می‌برند، عدد آجرهای لازم برای بنا را می‌توان با شمردن خانه‌ها و ضرب آن‌ها در بلندی ديوارها و کسر جای روزن‌ها از آن، به آسانی به دست آورده. بعد از آنکه طرح را براي مراجعت آتی به کاغذ منتقل کرددن، رسم عجیبی معمول می‌دارند که از روزگار بس قدیم بر جای مانده است. نقشه‌ها را نه جداجدا نگه می‌دارند و نه چون کتاب صحافی می‌کنند، بلکه لبه به لبه با چسب به هم می‌چسبانند، همچون رسائل شرعیه عبری، و آن‌ها را به صورت لوله نگهداري می‌کنند (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۳۰-۳۱).

چند نکته شایان توجه در مورد این طومارها وجود دارد. نخست آن که پلان ساختمان‌ها در این طومارها بر شبکه‌ای شطرنجي ترسیم شده که زیرساخت طراحی پلان است. دوم آنکه پلان معکوس طاق و تزئینات معماری در کتار یکدیگر آمده‌اند (تصویر ۹) و این نشان از آن دارد که دارنده طومار، مسئولیت طراحی تزئینات و معماری ساختمان را يك‌جا بر عهده داشته و درواقع طرح پیکر و تزئینات بنا يك نفر بوده است (بهپور، ۱۳۸۵: ۱۰۱). البته منظور آن نیست که تزئین‌کننده بنا همواره با معمار بنا یکی است بلکه غرض این است که معمار با طراحی تزئینات آشناست و غالباً برآن نظرارت دارد و مهارت او را مخصوصاً باید در پلان معکوس جستجو کرد و در طراحی تزئینات نیز به حساب آورد. سومین نکته آن است که در این طومارها نقشه نما نیامده و این از سنت نقشه‌کشی حکایت می‌کند که سخت متنگی بر پلان بوده است. تا آنجا که می‌دانیم نما را در محل احداث با استفاده از قواعد سرانگشتی هندسی بر مبنای اندازه‌های لازم ترسیم می‌کرده‌اند (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۶۱). اگر این طومارها متبادل بوده باشد باید بتوان مشابههای و تکرارهای فراوانی را در میان طرح‌های تزئینات بناهای موجود یافت. همچنین شاید بتوان طرح‌های موجود بر پیکره بناها را با این الگوها مطابقت داد (بهپور، ۱۳۸۵: ۱۰۵).



تصویر ۹: پلان معکوس طاق و تزئینات معماری (منبع: بهپور، ۱۳۸۵: ۱۰۱)

درخواش تصاویر و کروکی‌های تاریخی، نقاط کانونی تصویر، عناصر مورد تأکید، پهنه منظر، خط آسمان، نمادها و نشانه‌ها، تجمع عناصر طبیعی و انسان‌ساخت و گستره بصری و پانورامی آن قابل بررسی است. بخش دیگری از فرآیند خواش این ترسیم‌ها با رویکردی توبولوژیک (موقع شناسانه)، به بررسی ویژگی‌های هندسی و ارتباطات فضایی بدون توجه به تأثیرات جزئی و سطحی در شکل و اندازه کالبدها می‌پردازد و به وسیله آن اجزای تشکیل‌دهنده یک کل به یکدیگر مرتبط یا به نحوی چیدمان می‌شوند (فیضی و اسدپور، ۱۳۹۲: ۵).

نتیجه‌گیری:

معماری تاریخی ایران با انعکاس الگویی از درون جامعه و سال‌ها آزمون و خط و راهکار و الگو با نفوذ تحولات عقلانی و تخیلات معنوی، در طول زمان استمرار یافته؛ تا به عنوان سندي از تاریخ برای این دوران به ودیعه گذاشته شده است. آثار گذشتگان تنها بازمانده‌ای است که جریانات وقایع را روایت می‌کند. بنابراین قدر مسلم است که مبنای پیداش تاریخ، وقایع و رویدادها هستند. با ثبت این رویدادها و تبدیل شدن آن‌ها به سنند و آثاری با ارزش از هر دوره تاریخی به عنوان میراثی گرانبها برای آینده‌گان به جای مانده است.

در حوزه معماری و شهرسازی استناد در دو دسته تصویری و مکتوب قرار می‌گیرند. استناد تصویری به دلایل فراوانی، تاکید بیشتر بر محتوای بصری و قابلیت برداشت مولفه‌های معماری مبنای پژوهش قرار گرفته‌اند. از میان دوران‌های تاریخی معماری ایران، قرون ۷ تا ۱۰ هجری (دوران ایلخانی، تیموری و صفویه) به علت آغاز مستندات معماری و شهرسازی و مدارک قابل استناد و روند تکمیلی در این دوران مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

نقاشی‌ها، تصاویر، نگاره‌ها، نمونک‌ها و نقشه‌ها از جمله منابع تصویری در این دوران از تاریخ به حساب می‌آیند. دوران ایلخانی، با افزایش مستندات معماری و شهرسازی آغازی بر ثبت این استناد به شمار می‌رود. از قدیمی‌ترین نقشه‌های تاریخی می‌توان به کشف پلان ربع طاق مقرنسی در این دوران اشاره کرد که در رده اولین استناد تصویری تاریخی محسوب می‌شود. دوران تیموری، با افزایش کاربرد هندسه و شیوه‌های طرح اندازی و پیاده‌سازی نقشه به وسیله کاغذ شطرنجی و تخته رسم نقطه اوج تکمیل استناد تصویری تاریخی می‌توان شمرد که در دوران صفویه این شیوه ارتقاء می‌یابد. از جمله استناد تصویری به جا مانده از دوران ایلخانی، تیموری و صفویه می‌توان به موارد زیر (جدول ۳) اشاره کرد.

جدول ۳: استناد تصویری به جامانده از قرون ۷ تا ۱۰ هجری قمری (منبع: نگارندگان).

استناد تصویری	دوران تاریخی
منابع مکتوب، سفرنامه‌ها، الواح گچی و نقشه طاق‌ها	ایلخانی
منابع کتبی و افزایش استفاده از هندسه، کشف شیوه‌های طرح اندازی و پیاده سازی نقشه، مقالاتی در شیوه‌های ترسیم و اندازه-گیری فرم‌های طاقی و گنبدی و نگارگری‌های موضوعات معماری و ساخت	تیموری
مدارک تصویری سندگونه، کلیات فضاهای شهری، مستندسازی تصویری فضاهای معماری در آثار نگارگری و دیوارنگاری	صفویه

برداشت‌های معماری و شهرسازی از مستندات تصویری به جا مانده از دوران ایلخانی، تیموری و صفویه در جدول ۴ بیان شده است. در این بین استناد تصویری به جا مانده دوره تیموری، طومارهایی یافت شده که معماران پلان و نقشه بنا را بر روی تخته‌ای شطرنجی براساس ابعاد آجر، نظام طراحی را شکل می‌دادند و پس از اطمینان از طرح آن را اجرا می‌کردند.

جدول ۴: مستندات تصویری به جامانده از دوران ایلخانی، تیموری و صفویه به همراه برداشت‌های ویژگی‌های معماری و شهرسازی (منبع: نگارندگان).

مستندات تصویری	برداشت معمارگونه
نقاشی و نگاره‌ها	بازشناسی عناصر معماری و چیدمان معماری داخلی؛ از جمله: تزئینات کتیبه‌ها، طاق‌ها، پنجره‌ها، شکل ازاره، کف، صفحه و پله
تصاویر و کروکی‌های تاریخی	کانونی تصاویر، عناصر مورد تأکید، پهنه منظر، خط آسمان، نمادها و نشانه‌ها، تجمع عناصر طبیعی و انسان‌ساخت
نقشه‌ها	طرح اندازی و پیاده‌سازی ترسیمات شطرنجی و تخته رسم، ویژگی‌های هندسی

- بهپور، بارند. (۱۳۸۴). الگوهای مورد استفاده در طراحی معماری و تزئینات در دوره قاجار، مجله معمار، شماره ۰۰، فروردین ماه.
- حجهت، عیسی. (۱۳۹۴). سنت سنت‌گرایان و سنت‌گرایی معماران، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۲۰، شماره ۱.
- حیدری دلگرم، مجید، محمدرضا بمانیان و مجتبی انصاری. (۱۳۹۵). محمدکریم پیرنیا و دونالد ویلبر، تفاوت مقاصد و عناصر روایت سبکی، دوفصلنامه مطالعات معماری ایرانی، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۹۵.
- حیدری، وحید. (۱۳۹۵). بررسی تاریخچه مستند سازی تصویری آثار معماری و شهرسازی ایران (پیش از اسلام تا پایان دوره پهلوی)، فصلنامه گنجینه اسناد، دفتر سوم، پاییز ۹۵.
- رضابی، امید. (۱۳۹۰). درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
- سیفیان، محمدکاظم و محمدرضا محمودی. (۱۳۸۶). محرومیت در معماری سنتی ایران، نشریه هویت شهر، شماره اول.
- صادقی‌پی، ناهید. (۱۳۸۸). تأملی در معماری سنتی، نشریه صفحه، شماره ۴۸.
- طهماسی، احسان. (۱۳۹۳). بررسی چگونگی کاربرد اسناد در مطالعات تاریخ معماری ایران، دوفصلنامه معماری ایرانی، شماره ۶، پاییز و زمستان.
- فروتن، منوچهر. (۱۳۸۹). زبان معمارانه نگاره‌های ایرانی (با بررسی ویژگی‌های نگاره‌های ایرانی به عنوان اسناد تاریخی معماری اسلامی ایران)، نشریه هویت شهر، شماره ۶.
- فیضی، محسن و علی اسدپور. (۱۳۹۲). تحلیل منظر کلان تاریخی شیراز براساس ترسیم‌های جهانگردان خارجی، فصلنامه علمی- پژوهشی هنر معماری و شهرسازی منظر، سال دهم، شماره ۲۴.
- قائم مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۰). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران: سلسله انتشارات اجمان آثار ملی.
- قیومی بیدهندی، مهرداد. (۱۳۸۴). بررسی انتقادی چهار تاریخنامه معماری ایران، فصلنامه فرهنگستان هنر، خیال ۱۵، تیرماه.
- کاشانی، غیاث الدین جمشید. (۱۳۹۲). رساله طلاق و ازج، مترجم: سید علیرضا جذبی، تهران: سروش.
- گرابر، آنک. (۱۳۸۳). مروری بر نگارگری ایرانی، مترجم: مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: فرهنگستان هنر.
- نجیب اوغلو، گل رو. (۱۳۷۹). هندسه و تزئین در معماری اسلامی، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: سروش، چاپ دوم.
- نوذری، عزت‌الله. (۱۳۸۵). روش شناخت در تاریخ شیراز: انتشارات نوید شیراز، چاپ اول.
- هرمان، جرجینا. (۱۳۷۳). تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، مترجم: مهرداد وحدتی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.